عنوان:

اخلاص

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | t-248 |
| رده | تزکیه‌ای/رذائل و فضائل/فضائل/سطح شناخت |
| برچسب | تزکیه، تربیت نفس، فضائل، اخلاص، اخلاص بعد از عمل، امام خمینی |
| توضیحات |  |

بدان كه از براى «اخلاص» تعريف هايى كردند كه ما ذكر بعضى از آنها را كه پيش اصحاب سلوك و معارف متداول [است‏] مى‏كنيم به طريق اجمال.

جناب عارف حكيم سالك،خواجه عبد اللّه انصارى قدّس سرّه فرمايد:

الإخلاص تصفية العمل من كلّ شوب.[[1]](#footnote-1) «اخلاص صافى نمودن عمل است از هر خلطى.» و اين اعم است از آن كه شوب به رضاى خود داشته باشد، يا شوب به رضاى مخلوقات ديگرى.

و از شيخ اجل بهائى منقول است كه اصحاب قلوب از براى آن تعريفاتى كرده‏اند: قيل: تنزيه العمل أن يكون لغير اللّه فيه نصيب. «گفته شده است كه آن پاكيزه نمودن عمل است از اينكه از براى غير خدا در آن نصيبى باشد.» و اين نيز قريب به تعريف سابق است. و قيل: أن لا يريد عامله عليه عوضا في الدّارين.[[2]](#footnote-2) و «گفته شده كه آن اين است كه اراده نكند عامل آن عوضى براى آن در دو دنيا.»

و از صاحب غرائب البيان نقل شده است كه «مخلصان آنها هستند كه عبادات خدا كنند به طورى كه نبينند خود را در عبوديت او و نه عالم و اهل آن را، و تجاوز نكنند از حدّ عبوديت در مشاهده ربوبيت. پس وقتى كه ساقط شد از بنده حظوظ او از خاك تا عرش، راه دين را سلوك كرده. و آن طريق بندگى و عبوديتى است كه خالص باشد از ديدن حوادث به واسطه شهود روح جمال پروردگار را. و اين است دينى كه حق تعالى اختيار فرموده است براى خود و از غير حق تخليص فرمود آن را و فرمود: الا للّه الدّين الخالص[[3]](#footnote-3) و دين خالص نور قدم است پس از متلاشى شدن حدوث، در بيابان نور عظمت و وحدانيت. گويى خداى تعالى دعوت فرموده بندگان خود را بر سبيل تنبيه و اشاره به سوى تخليص نمودن سرّ خود را از اغيار در اقبال آنها به سوى او.»

و از شيخ محقق، محيى الدين عربى[[4]](#footnote-4) نقل است كه گفته است: ألا، للّه الدّين الخالص عن شوب الغيريّة و الأنانيّة، لأنّك لفنائك فيه بالكلّيّة فلا ذات لك و لا صفة و لا فعل و لا دين و إلاّ لما خلص الدّين بالحقيقة فلا يكون للّه.[[5]](#footnote-5) تا رسوم عبوديت و غيريت و انانيت باقى است و عابد و معبود و عبادت و اخلاص و دين در كار است، شوب به غيريت و انانيت است. و اين شرك است پيش ارباب معارف. عبادت اهل خلوص نقشه تجليات محبوب است، و در قلب آنها جز ذات حق واحد راه ندارد. و با آنكه افق امكان به وجوب متصل و تدلّى ذاتى و دنّو مطلق حقيقى براى آنها پيدا شده و رسوم غيريت بكلى مرتفع شده، با اين وصف، به تمام وظايف عبوديت اقدام و قيام مى‏نمايند. و عبوديت آنها بالرويّه و بالتفكر نيست، بلكه عبوديت بالتجلى است، چنانچه اشاره به اين معنى دارد نماز شب معراج رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله.

**اخلاص بعد از عمل**

بدان كه آنچه در حديث شريف است كه الإبقاء على العمل حتّى يخلص أشدّ من العمل، تحريص بر آن است كه انسان از اعمالى كه مى‏كند بايد مراعات و مواظبت نمايد، چه در حين اتيان آن و چه بعد از آن. زيرا كه گاه شود كه انسان در حال اتيان عمل آن را بى‏عيب و نقص تحويل دهد و خالى از ريا و عجب و غير آن باشد، ولى بعد از عمل به واسطه ذكر آن به ريا مبتلا شود. چنانچه در حديث شريف كافى وارد است:

عن أبي جعفر، عليه السّلام، أنّه قال: الإبقاء على العمل أشدّ من العمل. قال: و ما الإبقاء على العمل؟ قال: يصل الرّجل بصلة و ينفق نفقة للّه وحده لا شريك له، فكتب له سرّا، ثمّ يذكرها فتمحى، فتكتب له علانية، ثمّ يذكرها فتمحى، فتكتب له رياء.[[6]](#footnote-6)

از حضرت باقر العلوم عليه الصلاة و السلام روايت شده كه فرمود:

«مراعات عمل سخت‏تر است از عمل.» راوى گفت: «مراعات عمل چيست؟» فرمود: «مرد صله مى‏كند يا انفاقى مى‏نمايد براى خداى واحد بى‏شريك (يعنى ريا در عمل نمى‏كند.)، پس نوشته شود آن عمل براى او پنهانى و ثواب پنهانى به او دهند، پس از آن ذكر مى‏كند آن عمل را، پس محو شود آن و نوشته شود براى او آشكارا. (يعنى ثواب عبادت آشكارا به او دهند.) پس از آن ذكر كند آن را، پس محو شود آن و نوشته شود براى او ريا.» انسان تا آخر عمرش هيچ‏گاه از شرّ شيطان و نفس مأمون نيست. گمان نكند كه عملى را كه به جا آورد براى خدا و رضاى مخلوق را در آن داخل نكرد، ديگر از شرّ نفس خبيث در آن محفوظ ماند، اگر مواظبت و مراقبت از آن ننمايد، ممكن است نفس او را وادار كند به اظهار آن. و گاه شود كه اظهار آن را به كنايه و اشاره نمايد. مثلا نماز شب خود را بخواهد به چشم مردم بكشد، با حقه و سالوس از هواى خوب يا بد سحر و مناجات يا اذان مردم ذكرى كند، و با مكايد خفيه نفس عمل خود را ضايع و از درجه اعتبار ساقط كند. انسان بايد مثل طبيب و پرستار مهربان از حال خود مواظبت نمايد، و مهار نفس سركش را از دست ندهد كه به مجرد غفلت مهار را بگسلاند و انسان را به خاك مذلت و هلاكت كشاند، و در هر حال به خداى تعالى پناه برد از شرّ شيطان و نفس امّاره. إنّ النفس لأمّارة بالسّوء إلاّ ما رحم ربّي.

امام خمینی (ره)، شرح چهل حدیث، ص328

نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی(ره)؛ مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور

1. - منازل السائرين، ص 31،« قسم المعاملات»،« باب الاخلاص» [↑](#footnote-ref-1)
2. - اربعين، ص 159، حديث 37 [↑](#footnote-ref-2)
3. - «بدان كه دين خالص تنها براى خداست.» (زمر- 3) [↑](#footnote-ref-3)
4. - محمد بن على بن محمّد عربى (560- 634 يا 7 يا 8) بزرگترين عارف قرن هفتم و از عارفان بزرگ قرون اسلامى است. وى به «ابن عربى»، «محى الدين»، «شيخ اكبر» شهرت دارد. آثار مهم وى در عرفان از عصر وى تاكنون مورد مراجعه و بحث و تدريس، و شرح و تفسير تمامى عارفان و علاقمندان به عرفان مى‏باشد. فهم كتابهاى وى بخصوص «فصوص» مشكل است و در هر زمان معدود كسانى از عهده آن بر آمده‏اند. حدود 200 اثر به وى منسوب است كه مهمترين آنها فتوحات مكيّه، فصوص الحكم، التجليّات الالهيّة، انشاء الدوائر، تفسير قرآن مى‏باشد. كتاب «فصوص» از كتابهاى اصلى و مهمّ درسى عرفان محسوب مى‏شود كه بر آن بزرگترين عارفان پس از وى شرح و حاشيه دارند. امام خمينى (ره) بر فصوص حواشى نفيسى دارند. [↑](#footnote-ref-4)
5. - «بدان كه دين چو از آلايش غيريت و خوديت پاك گشت، براى خدا خواهد بود، چه با فناى كلى تو در ذات حق براى تو ذات و صفت و فعل و دين نمى‏ماند. و در غير اين حال دين بحقيقت خالص و پاك نگرديده است و براى خدا نيز نخواهد بود.» [↑](#footnote-ref-5)
6. - اصول كافى، ج 2، ص 297،« كتاب الايمان و الكفر»،« باب الرياء»، حديث 16 [↑](#footnote-ref-6)